زنده باد برروی زمین اتحاد

پیکار خلق

۴۷

یکشنبه ۵ مرداد ۵۹

گروه انقلابیون مارکسیست لنینیست

مجلس میدان تاخت و تاز علیه کمونیست ها

سیر مباحثات درون مجلس بیش از پیش پرده از چهرهٔ پلید کسانی برمیدارد که خود را بناحق نمایندگان مردم مینامند. ظاهراً بحث بر روی اعتبارنامه های افراد مختلف است که هر کدام سرشان به جناحی از هیئت حاکمه وصل میباشد. برای بقول معروف رو کم کردن پته های یکدیگر را بر روی آب می اندازند و بعد از خط و نشان کشیدن سراغ جام اعتبارنامه را تصویب میکنند. اما چگونه است که اینان بالاخره باهم به توافق می رسند؟ آن خط اصلی که اینان را بیکدیگر متصل میکند، کدام است؟

بهنگام بررسی اعتبار نامهٔ احمد غضنفرپور نمایندهٔ لنجان، که از ظواهر امر چنین بر می آید که در جناح بنی صدر جای دارد، برخی از نمایندگان باوی به

بقیه در صفحهٔ ۲

ابعاد توطئه علیه خلق کرد

سپاه پاسداران یکی از زمینه هائی است که جناحهای قدرتمند حاکم برای تسلط بر آن با یکدیگر به رقابت برخاسته و میکوشند با تحقق این تسلط، قدرت خود را بیشتر نمایند. دیدیم که فرماندهان مختلف یکی پس از دیگری بر روی کار آمدند. اما آنچه که بوضوح مشهود بود، این بود که جناح حزب جمهوری اسلامی در موضع مسلط بوده و هرآنگاه فردی برای فرماندهی از سوی بنی صدر معرفی میشود، با مخالفت این جناح روبرو میگردد. کما اینکه بنی صدر ابوشریف را برگزید و دیری نپائید که از سوی فرماندهان رده های پائینتر طبق مصاحبه هائی که انجام گرفت، اعلام شد که انتخاب ابوشریف مطابق میل آنان نیست. بهرحال، چندی است که رضائی بعنوان فرماندهٔ جدید سپاه پاسداران منصوب شده است. وی کسی است که بگفتهٔ خود در جنگ پاوه شرکت داشته و مسئول عملیات غرب بوده است و بعد هم بعنوان قائم مقام سپاه در تهران مشغول کار بود.

رضائی در روز چهارشنبه اول مرداد در یک مصاحبهٔ مطبوعاتی شرکت کرد تا بقول معروف خودی نشان بدهد. خبر نگاری سئوال میکند "میدانید امام اشاره به ضرورت همکاری ارتش و سپاه داشتند، حال این همکاری چگونه صورت میگیرد؟" رضائی پاسخ میگوید: ". . . . ما اینکار را با تشکیل ستاد هماهنگی که در کردستان میان ارتش و

بقیه در صفحهٔ ۳

تقی شهرام، کمونیست و انقلابی مبارز بدست در خیمان جمهوری اسلامی شهید شد

یادش گرامی باد

ارتجاع برای رهائی از ورشکستگی سیاسی به مبارزین حمله میکنند

راستی چرا سردمداران رژیم جمهوری اسلامی از آگاهی توده ها اینقدر وحشت و بیم دارند؟ هرجا سخن از سیاست بمیان میآید، آنها میکوشند با ایده های کهنه شده و ارتجاعی خود اصل مطلب را وارونه جلوه داده و همچنان افکار توده ها را در میان غباری از اوهام نگهدارند و برای حل مسائل اجتماعی معیارهای کاذب و غیر واقعی در اذهان تزریق نمایند. علت این تلاش برای توده های آگاه روشن می باشد. رژیم جمهوری اسلامی حافظ نظام

بقیه در صفحهٔ ۲

خجسته باد خاطرهٔ شهدای ۳۰ تیر ۱۳۳۱

آرشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

ارتجاع برای ...

سرمایه داری وابسته به امپریالیسم بوده و تلاش در ترمیم خرابیهائی مینماید که در اثر قیام شکوهمند توده ها بر این نظام وارد آمده بود. هرآنکس که بخواهد بهراندازه، نسبت به توان طبقاتی خویش، پوسیدگی و نارسائیهای این نظام را افشاء نموده و توضیح دهد، مورد حملهٔ حافظان این سیستم ضد خلقی قرارمیگیرد. یعنی درست بهمین دلیل و بخاطر حفظ قدرت سیاسی خویش است که دست به سرکوب همه جانبه میزند. تبریز این شهرگرد پرورد روز شنبه ۵۹/٤/۲۸ شاهد یکی از این سرکوبیها بود:

حدود ساعت ۷ بعد ازظهر چند نفراز اعضاء و هواداران سازمان مجاهدین خلق بهنگام پخش و چسباندن اعلامیه به دیوار خیابان خمینی مورد حمله فالانژها (جبهه خواران حزب جمهوری اسلامی) قرارمیگیرند یکی دو نفراز مجاهدین بضرب چاقو بشدت از ناحیهٔ سر و گردن زخمی میشوند. بعد ازاجتماع مردم، فالانژهاکه خود رامنزوی تر میبینند، پاسداران رابیاری خود میطلبند. بگیروببند مجاهدین شروع میشود. فالانژها بکمک پاسداران ویوزی و ژ ـ ۳ چند نفراکه قبلاً شناسائی کرده بودند، ازمیان مردم بیرون میکشند تابه شکنجه گاههای جمهوری اسلامی ببرند. مقاومت شروع میشود و مردم بپشتیبانی ازدستگیرشدگان پاسداران راهو میکنند. تیراندازی هوائی برای متفرق کردن مردم شروع میشود. اما دیگراین امربرای مردم هم عادی شده است. پاسداران فحشائی راکه سزاوارخودشان است نثارمردم میکنند و بزور اسلحه پنج شش نفراسوارماشین می ـ نمایند. لازم بتذکراست که تمام فالانژها همان کسانی بودند که هرروزدرخیابانها ولو بوده و روزنامهٔ دیواری راعلامیهٔ نیروهای مترقی وکمونیست راپارهمی کنند و فروشندگان روزنامهٔ ارتجاعی "منافقین" هستند.

بعد ازبردن دستگیرشدگان حدود ششصد نفردست به تظاهرات میزنند. پاسداران بانیروی بیشتری حملهٔ گرازوارخود راشروع میکنند. بگیروببند خوک وارفالانژهاوپاس ـ داران تاساعت ۹ شب ادامه داشت وهربار بامقاومت مردم روبرو میشدند. آنها ضعف خود رادربرابرمردم باگلوله واسلحه های آمریکائی و اسرائیلی جبران مینمودند. یکی ازپاسداران به همکاران جنایت پیشه خود میگفت چند نفرراازپاباگلوله بزنیم تامتفرق شوند. پاسداران هرکس راکه شعارمیداد میگرفتند ولی مقاومت مردم باعث شد که آنها هاج و واج دروسط خیابان به گشت دارو غه مانند خود مشغول باشند. فالانژهاگاهی شعارهائی میدادند تاشاید مردم ازآنها حمایت کنند اماکوچکترین پشتیبانی از طرف مردم نمیشدند. این حادثه وعدم حمایت مردم از فالانژهاو پاسداران باردیگرور ـ شکستگی سیاسی رژیم ضدخلقی رانشان میدهد و اینکه هرروز توده های وسیعی از خلق دل از رژیم جمهوری اسلامی میکنند و درمقابل به صف انقلابیون می پیوندند.

ابعاد توطئه

در آورد. هردوجناح هیئت حاکمه در برابر پیکار بحق خلقهای ایران، دست یکدیگر رامیفشارند و پیمان وحدت میبندند... وحدت ارتش و سپاه پاسداران ودفتریاست جمهوری و طرح مشترکی که برای سرکوبی خلق کرد پیاده مینمایند، نمونه ای از این میثاق ننگین است.

حال باید دید کسانیکه چشم به "تلاشهای مثبت" بنی صدر درمورد مسئلهٔ کردستان دوخته اند، بابرملاشدن این طرح مشترک و نقشی که مستقیماً رئیس جمهور درپیگیری آن دارد، بازهم به "تلاشهای مثبت" بنی صدر بدیدهٔ تحسین مینگرند؟

مجلس میدان ...

مخالفت برمیخیزند. ازجمله فوادگریمی ظاهراً دلایل کافی برای رد اعتبارنامهٔ غضنفرپور داشت. جالب است به یکی از دلایل توجه کنیم: "... آقای غضنفرپور تمایلات مارکسیستی و مائوئیستی داشته..." شاید این بدترین اتهامی باشد که به نماینده لنجان زده میشد و این دیگر برای وی اصلاً قابل تحمل نیست. پس باید نشان داد که اینچنین نیست و آقایان نمایندگان دراشتباهند و حال دفاع ایشان: "... من دربررسیهای خود نشان داده ام که چرامشی مارکسیستی به تناقضهای عقیدتی بستگی دارد و نه به شکل حکومت و چگونه است که درشوروی انقلاب کبیربه دیکتاتوری استالین تبدیل میشود و....!" متوجه شدید آقای کریمی؟ ایشان همیشه موضع ضدکمونیستی داشته و در "بررسیهای خود" به مشی مارکسیستی بارهاتاخته اند و دقیقاً یکی از فاکتورهای مثبت ایشان برای نماینده شدن همین جنبه بوده است که شماهمه تان بر سرش توافق نظر دارید. پس این "وصله" به ایشان نمی چسبد. بقول معروف قسم حضرت عباس را باور کنیم یادم خروس را؟! اما باید بیش از این موضع ضدکمونیستی رابرجسته کرد تاازنمایندگان محترم! باخاطرآسودهٔ بیشتری آراء مثبت راجمع آوری نمود! باید به کمک غضنفرپور برخاست. پس نمایندهٔ اصفهان صلواتی که فرماندارسابق این شهراست، به کمک برمیخیزد. کمک دفاع: "... اینکه درمجلس عنوان شده که غضنفرپور اهل نماز نیست من شهادت میدهم که ایشان ازاول نماز میخواندند و درزمانیکه فرماندار اصفهان بودم ایشان آمادهٔ همکاری بامابودند و باتحقیق که کردم دیدم فرد صالحی است و گروه ضدکمونیستی تربیت کرده است..." باری نماینده اصفهان بیخود زحمت تحقیق رابخود داده است. "بررسیهای" غضنفرپور نشان میدهد که ایشان "فرد صالحی" هستند! اما جان کلام اینجاست که اینک مردم نمایندگان خود را بهتر بشناسند و ببینند چه کسانی فریاد دفاع از "مستضعفین" رابرمیدارند. بدنبود اگر کارنامهٔ "گروه ضدکمونیستی" تربیت شده بوسیلهٔ غضنفرپور راهم ارائه میدادند تا ضد ـ کمونیست بودن ایشان برای آقایان نماینده بیشترثابت میشد. البته بازهم برای اینکه آراء بیشتری کسب نمایند، وگرنه ملت ایران بخوبی ازکارنامهٔ سیاه گروههای ضدکمونیستی اطلاع دارند. وقتی این گروهها به اجتماعات نیروهای مترقی، دفاترسازمانهای انقلابی، تحصن ها و تظاهرات بحق مردم در نقاط مختلف، حمله ور میشدند، بارها اعلام کردیم که سرنخ این گروههای مهاجم بدست دست اندرکاران حکومت است و این برنامه ها از سوی آنان طرح ریزی شده و بمورد اجراء گذاشته میشود. حال خود اعتراف می کنند که این

بقیه در صفحهٔ ٤

اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org

ابعاد توطئه ...

سپاه پاسداران ایجاد کرده ایم ، دنبال میکنیم ." براستی که اینان مجریان خوبی برای فرمان امام هستند . امام فرمان حمله به کردستان راصادر میکند و اینان بفوریت دست بکار میشوند . سرکوب در کردستان آغاز میگردد و در این میان نیز دعواهای جناحهای حاکم برسرچگونگی حل مسئلهٔ کردستان بالا میگیرد . ارتش و سپاه پاسداران سبعانه به قتل عام خلق کرد می پردازند و گاهاً دست به عملیاتی جداً گانه میزنند که بیانگر اختلاف جناحهاست . اما با آنکه هردو جناح نقش سرکوبگرانهٔ خود رابخوبی ایفا میکنند ، هنوز نتوانسته اند آتش انقلاب کردستان قهرمان را خاموش سازند . پس باید چارهٔ بهتری اندیشید و دست از اختلافات درونی برای پیشبرد مقاصد شوم خود در کردستان بر داشت و آن اینکه ارتش و سپاه پاسداران متحد تر عمل نمایند و طبق برنامه ریزی مشترک پیش روند . این برنامهٔ مشترک هم در همهٔ سطوح ، ازسطح تبلیغاتی گرفته تا اعدام و شکنجهٔ مبارزین و محاصرهٔ اقتصادی ، باید اجراء شود . بهمین جهت نیز ستاد مشترکی در کردستان تشکیل می گردد تا باصطلاح آن وحدتی راکه امام خواسته است بوجود آورند . اما اضافه باید کرد که این ستاد قبل از فرماندهی رضائی بین ارتش و سپاه پاسداران و دفتر ریاست جمهوری تشکیل شده بود منتها ایشان به عنوان قائم مقام سپاه در تهران در آن نقش بازی میکردند و اینک نیز بعنوان "افتخاراً" خود از آن نام میبرند . حال ببینیم این "ستاد هماهنگی" مشخصاً در کردستان بپا خاسته چه طرحهائی راتصویب و بمورد اجراء گذاشته است ؟

اخیراً طرح مشترک ۱۹ ماده ای ارتش سپاه پاسداران و مشاور دفتر ریاست جمهوری بدست نیروهای انقلابی افتاده است . این طرح از سوئی بیانگر اتحاد عمل ارگان های ضد خلقی و سرکوبگر در کردستان قهرمان است و از سوی دیگر ابعاد گستردهٔ توطئه علیه خلق بپاخاستهٔ کردرانشان میدهد . بد نیست بند هائی از این طرح مشترک را ذکر نمائیم :

بند ۱۰ ـ " مسائل کردستان باید از دید تبلیغاتی از نظرسایر اقلیتهای قومی دیگر بی اهمیت جلوه داده شود و رادیو ـ تلویزیون آنرا بابی قیدی تلقی نماید ."

بند ۱۱ ـ " چون خود مختاری کردستان باعث ازهم پاشیدگی وحدت اسلامی و عدم حاکمیت دولت در جمهوری اسلامی است و لذا این مسئله با انقلاب اسلامی سرسازش ندارد باید این افکارملی گرایانه رابرای همیشه نادیده گرفت ."

بند ۱۳ ـ " کوشش نمود در ارتش افراد کرد زبان که در خدمت نظامیند به نقاط دیگر انتقال داده شود تا از تحریکات در بین ارتش دور باشند ."

بند ۱۵ ـ " حلقهٔ محاصره را در کردستان تنگترنمائیم ."

بند ۱۶ ـ " افراد آگاه و مسئول سه گروه سیاسی رابدام اندازیم ."

بند ۱۷ ـ " با اعدام افراد ضد انقلاب باعث تشویق و حرمان کردستان شویم ."

بند ۱۹ ـ " دولت باید نوارکمربندی کردستان را تقویت بخشد تابتوان از این طریق جنبش ملی را از داخل بزانو درآورد ."

درست به بند های طرح فوق نگاه کنید . طبق این طرح برای آنکه خلقهای دیگرایران چون ترک ، عرب ، ترکمن و . . . باتأثیرپذیری از قهرمانیها و اعمال آگاهگرایانهٔ خلق کرد ، بپانخیزند ، مسئلهٔ کردستان میبایستی در رادیوتلویزیون و مطبوعات بسیار بی اهمیت جلوه داده شود. بسی خیال خام ! چراکه این مرتجعین هنوز بماهیت جنگهای ملی ـ طبقاتی و جبری بودن چنین جنگهائی ، پی نبرده اند. خلقهای عرب ، ترکمن و . . . بواسطهٔ ظلم و جوری که سالیان سال بر آنها روا شده است ، برخاسته اند و به جنگ ملی ـ طبقاتی خود به اشکال گوناگون ادامه می دهند و در این میان بهرطریقی که شده اخبار مبارزات یکدیگر را دریافت میکنند . سرکردگان رژیم جمهوری اسلامی خود مختاری را موجب ازهم پاشیدگی وحدت کشور میبینند اما این یک عوامفریبی بیش نیست . چه اینان خود بیش از همه موجب تفرقه وکشمکش بوده و جوّ تحریک آمیز را برای گسترش تفرقه دامن میزنند . خود مختاری برای خلقها از آنجائیکه پدیدهای قوی ملی و ضد ـ امپریالیستی است ، وحدت خلقها رانیز در مبارزه علیه ارتجاع حاکم و امپریالیسم در بر دارد و دقیقاً از همین جهت مورد تنفر هیئت حاکمه است و بنابراین با هزار و یک دلیل و باطرق گوناگون مبارزه میکند این مبارزه یک مبارزهٔ طبقاتی است که پیروزی نهائی از آن خلقهای ایران است هیئت حاکمه برای کسب پیروزی در کردستان تجربیات استعمارگر امپریالیسم آمریکارابکار میبندد که در بند ۱۵ شاهد آن هستیم . حلقهٔ محاصرهٔ اقتصادی راد ولت ضد ـ خلقی مدتهاست که تنگ تر میکند . این همان عمل جنایتکارانهٔ امپریالیسم آمریکا در ویتنام است . حکومت ضد خلقی فکر میکند آنچنانکه در بندهای دیگرآمده است باترور " افراد آگاه و مسئول " یعنی انقلابیون پاکباختهٔ کرد میتواند جنگ عادلانهٔ خلق کرد را به قهرنیستی بکشاند . اما آیا رژیم جنایتکار شاه که دهها رهبر انقلابی رابه دست جلادان خود به شهادت رسانید پیروز شد تا خلف زادگان وی موفق گردند ؟ این طرح خائنانه از سوئی نیز داد و قال تبلیغاتی هیئت حاکمه رادرزمینهٔ کمک به مردم کردستان نقش برآب میکند . هیئت حاکمه پس ازحملهٔ سبعانهٔ خود بکردستان اینک ماسک کردوستی برچهره زده است و اینگونه تبلیغ میکند که گویا مشغول ترمیم خرابیهای حاصل از جنگ است و بودجه ای هم برای اینکار درنظرگرفته است . اما بند ۱۵ ماسک ازچهرهٔ این خائنان میدرد.

بازگردیم به مسئلهٔ وحدت ارتش و سپاه پاسداران که رضائی و امثالهم برایش سینه چاک میکنند . بر زمینهٔ طرح فوق میبایستی سپاه پاسداران و ارتش متحداً به پیش روند . اینان وحدت بایکدیگر را فقط و فقط درسرکوبی خلقهای بپاخاسته ایران میبینند . هرجاکه صدای حق طلبانه ای برمیخیزد مشترکاً ومتحداً دست بکار میشوند تا این صدا راخفه کنند ، آنگونه که در ترکمن صحرا کردند و آنطورکه در کردستان شاهد هستیم . هیئت حاکمه نیک میداند که گسترش دامنهٔ مبارزات خلق کرد به دیگر نقاط ایران ، برایش گران تمام میشود و بهمین جهت با همهٔ توان خود در صدد سرکوب خلق کرد است و برای اینکه در این امر پیروز شود ، لازم میداند که ارگانهای سرکوبگر را در یک هماهنگی منظم بایکدیگر

بقیه در صفحهٔ ۲

www.peykar.org

احکام بیدادگاههای رژیم جمهوری اسلامی:

* ــ حملات رژیم ضد خلقی به دانشگاهها که هدف سرکوبی انقلابیون ومبارزین را دربرداشت ، درگیلان به‌شهادت رسیدن ، مجروح و دستگیرشدن دهها تن منجر شد . رژیم جمهوری اسلامی برای دستگیرشدگان دادگاههای فرمایشی ترتیب داده است . شاهد بودیم که فرامرز (حسن) حمید به جوخهٔ اعدام سپرده شد . اینک بیدادگاه گیلان درمورد برخی از دستگیرشدگان فاجعهٔ خونین دانشگاه گیلان ، احکام زیرین راصادرکرده است :

ــ فرامرز فرحی ــ استاد دانشگاه ــ حبس و اخراج از دانشگاه .

ــ رضانصرالهی ــ هنرجوی هنرستان صنعتی ــ ۳ ماه بازداشت .

ــ پرویز جهانبخش ــ دیپلمهٔ بیکار ــ ۳ ماه بازداشت و ۲ سال حبس تعلیقی .

ــ محمود ربیع ورزی ــ دیپلمهٔ بیکار ــ ۳ ماه زندان و دوسال حبس تعلیقی .

ــ دکترجعفر بی آزار ــ استاد دانشگاه ــ یکماه بازداشت ودوسال حبس تعلیقی و اخراج تعلیقی از دانشگاه .

اما براستی حبس تعلیقی برای چیست؟ روشن است . رژیم میخواهد با اینگونه احکام برکنترل خود بیفزاید وهرآنگاه که یک حرکت مبارزاتی درسطح شهر صورت گرفت و رژیم "مصلحت" دید اینان رابه اتهامات واهی دوباره دستگیروروانهٔ زندان سازد .

* ــ دو تن از فروشندگان نشریهٔ "کار" بنامهای مهرداد اسماعیلی ــ دانش آموز ، ساکن رودبار ــ و حسین قره داغی ــ شاگرد بنا ، ساکن رشت ، توسط بیدادگاه رژیم جمهوری اسلامی بترتیب به ۳ ماه حبس و ۵۰ ضربه شلاق ، ۲۲ روز بازداشت و ۲ سال حبس تعلیقی محکوم شدند . این است مفهوم آزادی از دید مرتجعان .

* ــ محمدرسول عزیزیان ساکن کرمان ، به "جرم" پخش نشریات ضد امپریالیستی "مفسد فی الارض" تشخیص داده شده و به اعدام محکوم شد .

آیا رژیم فاشیستی شاه جز این میکرد؟ فقط در قاموس رژیمهای ارتجاعی ، فروش نشریات ضد امپریالیستی جرم شناخته میشود . بهمین جهت است که رژیم جمهوری اسلامی وحشت زده از آگاهی توده ها ، که این نشریات درروشد آن نقش بسزائی را ایفا میکنند ، یک یک مبارزین را به رگبار گلوله می بندد ، به حبسهای طویل المدت محکوم میکند و از کار برکنار مینماید . ننگ و نفرت بر بیدادگاههای جمهوری اسلامی ، این وارثین دادرسی ارتش شاهنشاهی ●

"... اگرآنها میخواهند مراظاهراً بجرم اشتباهات واتفاقات ورویدادهائی که علی‌رغم تأسف باربودن نشان بهرصورت درجریان یک مبارزهٔ انقلابی صورت گرفته ــ بهرصورت جزئی ازواکنش درمقابل فشاروحشتناک وسرکوب کننده دشمن بوده وبهرصورت حادثه و واقعه‌ای مربوط بمناسبات درون خلق است ــ محاکمه ومحکوم کنند ، بگذارهمه بدانند که درپس این محاکمه ، درپس تشکیل چنین پرونده افتضاح آمیزی ازاتهامات توخالی برای یک انقلابی شناخته شده وطرح یک چنین دعوی انتقامجویانه فردی وگروهی ای آنهم در یک دادگاه انقلابی که باید عوامل وعناصروابسته برژیم سابق ودست نشاندگان ووابستگان امپریالیسم رامحاکمه کند ، چه توطئه ها ، چه دستهای ناپاک ونفاق افکنی ، چه تمایلات انحصارگرایانه ودیکتاتورمآبانه .....چه آغازشومی برای محاکمه عقاید وبرای تشکیل دادگاههای تفتیش عقاید بعدی است .....بگذار خون من ، جان و زندگی من اولین قربانی باشد که مردم میباید برای درک یک چنین حقیقتی بدهند ..." ●

یادداشتهایی از زندان جمهوری اسلامی:

رفیق شهید تقی شهرام

مجلس میدان ...

گروهها راخود تربیت کرده اند واینهم یکی از "افتخارات" آنهاست که بایستی برای تأئید اعتبارنامه مورد توجهٔ خاص قرارگیرد .

بهرحال . ازجنگ زرگری نمایندگان مجلس که بگذریم ، خط اشتراکشان راازهمین صحبتها میتوان بخوبی یافت . آنچه که اینان رابایکدیگر بتوافق میرساند همانا دفاع از سیستم سرمایه داری و ضدیت باکمونیسم است . کمونیسم ایدهٔ رهائی زحمتکشان میباشد و ضدیت باآن یعنی دشمنی آشکار بازحمتکشان . سرمایه داران و حافظان سیستم سرمایه داری دشمن آشتی ناپذیرزحمتکشان هستند و اینک این مدافعان نظام سرمایه‌داری ، که درمجلس فرمایشی گرد هم آمده اند ، میکوشند تاگوی خصومت بازحمتکشان ودفاع ازسرمایه داران راازیکدیگربربایند و حتی اباند ارند از اینکه برای بروز بیشتر خصومتشان باکمونیستها این مدافعین واقعی زحمتکشان و سرکوب مبارزات محقانهٔ خلق ، به تشکیل گروههای فاشیستی و ضدکمونیستی اعتراف نمایند ●

جزوهٔ تئوریک ــ سیاسی منتشر شد

ارشیو اسناد سازمان پیکار در راه آزادی طبقهٔ کارگر
www.peykar.org